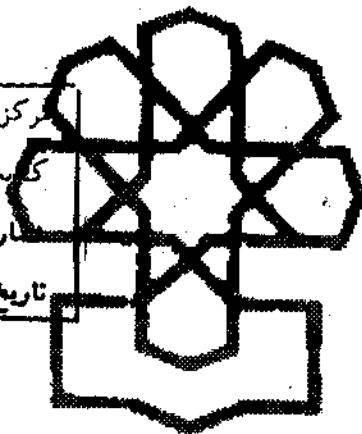




گزارش کارشناسی درباره لایحه :

اصلاح موادی از قانون صدور  
چک مصوب ۱۳۵۵ و اصلاحات  
بعدی آن (۱۳۷۲ و ۱۳۷۶)

برای شور اول



مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی

شماره: ۱۳۳۹۵

تاریخ: ۱۳۸۰ / ۱ / ۱۹

کمیسیون‌های ارجاعی مشترک اقتصادی و قضائی و حقوقی

کدموضوعی: ۲۰۰

شماره مسلسل: ۶۱۸۳

معاونت پژوهشی

آبان ۱۳۸۰

کار: دفتر بررسی‌های حقوقی

دفتر بررسی‌های اقتصادی

اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ و  
اصلاحات بعدی آن (۱۳۷۲ و ۱۳۷۶)

کدموضوعی: ۲۰۰

شماره مسلسل: ۶۱۸۳

مقدمه

در میان اسناد تجاری، چک به دلیل استفاده روزافزون در مبادلات بازرگانی از اهمیت زیادی برخوردار است. همزمان با افزایش میزان استفاده از چک، تخلفات مربوط به آن نیز افزایش یافت تا جایی که اکنون بدل به یکی از معضلات اصلی کشور شده است. بی‌گمان حل این مشکل در گرو آگاهی نسبی از وضع موجود و اطلاع از علل و دلایل پدید آمدن آن است. از این رو سعی خواهد شد با تکیه بر اطلاعات و آمار و ارقام مربوط به پدیده مجرمانه چک، تصویری هر چند کلی از وضعیت آن ارائه گردد.

### ۱- میزان استفاده از چک در آینه آمار و ارقام

هیچ آمار مدونی در مورد تعداد و مبلغ چک‌های صادره و برگشت خورده وجود ندارد. با این حال در یک پژوهش آماری از اتاق پایاپای تهران این نتیجه به دست آمد که میزان مبادلات چک‌های بین بانکی در این مرکز افزایش یافته و لذا می‌توان ادعا کرد که میزان کل چک‌های مبادله شده نیز با همین نرخ افزایش یافته است. جدول یک میزان این افزایش را نشان می‌دهد.

جدول ۱- تعداد و مبلغ چک‌های مبادله شده در اتاق پایابای تهران

(هزار برگ، میلیارد ریال)

سال	تعداد چک‌های مبادله شده	نرخ رشد چک‌های مبادله شده	ارزش چک‌های مبادله شده	تعداد چک‌های برگشتی	ارزش چک‌های برگشتی	درصد ارزش چک‌های برگشتی از کل	درصد ارزش چک‌های برگشتی از کل
۱۳۵۳	۱۰۵۵۵	۰.۸	۱۵۴۰	۸۳۴	۷۱	۴/۶	۷/۹
۱۳۵۴	۱۰۶۵۱	۰.۹	۱۷.۹	۸۰۹	۹۷	۵/۷	۷/۶
۱۳۵۵	۱۰۵۷۸	-۰.۷	۲۲۶۸	۸۵۷	۱۵۶	۶/۹	۸/۱
۱۳۵۶	۱۰۰۰۲	-۵.۴	۲۹۰۶	۹۰۰	۲۶۷	۹/۲	۹/۰
۱۳۵۷	۷۴۸۳	-۲۵.۲	۲۰۹۲	۹۴۳	۲۱۱	۱۰/۱	۱۲/۶
۱۳۵۸	۵۴۵۰	-۲۷.۲	۱۸۱۱	۵۹۷	۱۷۹	۹/۹	۱۰/۹
۱۳۵۹	۵۲۹۱	-۲.۹	۲۵۵۵	۴۳۴	۱۷۱	۶/۷	۸/۲
۱۳۶۰	۴۸۱۳	-۹.۰	۲۹۷۳	۳۳۴	۱۸۰	۶/۱	۶/۹
۱۳۶۱	۴۴۴۵	۷.۶	۳۶۳۱	۲۷۳	۱۶۴	۴/۵	۶/۱
۱۳۶۲	۵۲۱۲	۱۷.۳	۵۱۳۹	۲۹۹	۲۲۹	۴/۵	۵/۷
۱۳۶۳	۵۶۰۷	۷.۶	۶۲۹۰	۳۸۲	۳۱۸	۵/۱	۶/۸
۱۳۶۴	۶۴۰۳	۱۴.۲	۶۷۱۳	۴۶۹	۳۵۳	۵/۲	۷/۳
۱۳۶۵	۷۲۴۴	۱۳.۱	۸۳۶۴	۵۶۱	۴۵۰	۵/۴	۷/۷
۱۳۶۶	۸۷۱۹	۲۰.۴	۱۲۲۹۰	۶۲۶	۶۹۳	۵/۶	۷/۲
۱۳۶۷	۸۶۴۳	-۰.۹	۱۲۶۰۳	۷۶۱	۹۸۳	۶/۵	۸/۶
۱۳۶۸	۱۱۳۵۱	۳۱.۳	۲۲۳۴۴	۸۷۵	۱۳۰۹	۵/۹	۷/۷
۱۳۶۹	۱۳۷۲۹	۲۰.۹	۳۳۸۰۵	۹۶۲	۱۸۶۸	۵/۵	۷.۰
۱۳۷۰	۱۶۹۱۶	۲۳.۲	۵۰۶۱۱	۱۱۲۴	۲۹۱۹	۵/۹	۶.۶
۱۳۷۱	۲۰۱۷۸	۱۹.۲	۶۶۹۸۱	۱۴۰۴	۴۱۵۰	۵/۹	۷.۰
۱۳۷۲	۳۳۰۴۷	۱۴.۲	۹۳۸۰۹	۱۵۴۸	۴۹۵۸	۵/۴	۶.۸
۱۳۷۳	۳۵۸۴۰	۱۲.۱	۱۳۷۵۶۳	۱۶۳۶	۶۴۸۳	۴/۷	۶.۳
۱۳۷۴	۳۸۶۴۳	۱۰.۸	۲۰۰۶۱۳	۱۸۱۲	۱۰۲۶۷	۵/۱	۶.۳
۱۳۷۵	۳۲۹۹۰	۱۵.۲	۲۶۱۰۹۷	۲۰۴۷	۱۳۲۶۴	۵/۱	۶/۲
۱۳۷۶	۳۶۹۳۲	۱۱.۹	۳۰۵۸۱۳	۲۴۵۹	۱۷۰۱۸	۵/۶	۶.۷
۱۳۷۷	۳۹۹۶۵	۸.۲	۳۴۴۰۱۴	۲۵۷۵	۱۷۰۴۲	۵/۰	۶.۴
۱۳۷۸	۴۴۷۰۵	۱۱.۹	۴۸۸۹۳۸	۲۶۳۳	۲۰۸۵۸	۴/۶	۵.۹

منبع: سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سال ۱۳۷۸

جدول ۱ و ۲ نشان می‌دهد که تعداد چک‌های برگشتی از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۸ از ۳۸۲۰۰۰ به ۲۶۳۲۰۰۰ و به عبارت دیگر از شاخص ۱۰۰ به ۶۸۹ رسیده است. در حالی که تعداد پرونده‌های مختومه مربوط به صدور چک بلامحل در این فاصله از شاخص ۱۰۰ به ۱۰۵۸ رسیده است. این امر به منزله افزایش ۵۳ درصدی در تعداد پرونده‌های چک نسبت به تعداد چک‌های برگشتی است.

چنان‌که گفته شد همزمان با این افزایش تخلفات مربوط به چک نیز افزایش یافت و بخش اعظمی از پرونده‌های موجود در دادگستری اکنون به این پدیده مجرمانه اختصاص یافته است. مندرجات جدول ۲ بیانگر این واقعیت است:

جدول ۲- پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های دادگستری برحسب موضوع

سال	تعداد پرونده‌های مختومه مربوط به چک		کل پرونده‌های رسیدگی شده		درصد پرونده‌های مختومه مربوط به چک از کل پرونده‌ها
	تعداد	شاخص	تعداد	شاخص	
۱۳۶۳	۲۵۵۲۰	۱۰۰	۱۵۹۳۵۹۷	۱۰۰	۲.۸
۱۳۶۴	۷۳۴۱۵	۱۶۱	۱۷۶۵۵۵۴	۱۱۱	۴.۱
۱۳۶۵	۸۵۵۳۸	۱۸۸	۲۰۱۵۹۷۲	۱۲۷	۴.۲
۱۳۶۶	۸۵۸۸۶	۱۸۹	۲۴۰۳۹۶۵	۱۵۱	۳.۵
۱۳۶۷	۱۰۴۷۹۴	۲۳۰	۱۸۳۴۱۵۳	۱۱۵	۵.۷
۱۳۶۸	۱۳۹۲۷۹	۳۰۶	۲۰۰۵۳۴۱	۱۲۶	۶.۹
۱۳۶۹	۱۶۵۹۹۰	۳۶۵	۲۱۳۵۵۴۰	۱۳۴	۷.۷
۱۳۷۰	۲۰۱۹۶۸	۲۴۴	۲۰۹۲۸۱۳	۱۳۱	۹.۶
۱۳۷۱	۲۵۹۸۸۹	۵۷۱	۲۲۶۲۷۱۲	۱۴۲	۱۱.۴
۱۳۷۲	۳۴۰۰۲۰	۷۴۷	۲۳۱۲۹۱۶	۱۴۵	۱۴.۷
۱۳۷۳	۳۲۰۴۶۴	۷۰۴	۲۳۹۸۷۱۹	۱۵۱	۱۳.۳
۱۳۷۴	۲۷۹۷۵۱	۶۱۵	۲۸۵۸۳۶۹	۱۷۹	۱۰.۱
۱۳۷۵	۳۳۹۲۰۷	۷۴۵	۳۱۲۰۵۸۹	۱۹۶	۱۰.۸
۱۳۷۶	۴۰۹۳۷۶	۸۹۹	۳۳۰۱۰۹۸	۲۰۷	۱۲.۴
۱۳۷۷	۴۲۵۰۳۰	۹۳۴	۳۵۵۷۲۰۰	۲۲۳	۱۱.۹
۱۳۷۸	۴۸۱۶۷۷	۱۰۵۸	۳۹۲۷۷۹۸	۲۴۶	۱۲.۲

مأخذ: سالنامه آماری سال‌های مختلف.  
 \* در سال ۱۳۷۳، آمار گزارش شده متعلق به ۸ ماه پایانی سال است.

همچنان که ملاحظه می شود روند رو به رشد تعداد پرونده های وارده یا مختومه مربوط به چک در دادگستری غیر قابل قبول است و تداوم این وضع نمی تواند مورد پذیرش باشد؛ چرا که این روند طی یک دهه و نیم به طور متوسط سالانه ۱۶ درصد رشد داشته و در این فاصله حدود ۱۰ برابر افزایش داشته است و با فرض این که تداوم این روند مثل ده سال گذشته باشد، تعداد پرونده های چک به حدود ۵/۵ میلیون و حدود ۲۰ درصد کل پرونده های دادگاهی خواهد بود.

این روند در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴ اندکی کاهش یافته و سپس به رشد خود ادامه داده است. چنین روندی متناسب با روند پرونده های دیگر نیز نیست؛ چرا که تعداد کل پرونده ها در فاصله سال های ۱۳۷۸-۱۳۶۳ حدود ۱۵۰ درصد افزایش داشته، در حالی که در شمار پرونده های چک بیش از ۹۵۰ درصد افزایش به چشم می خورد. اگر نسبت پرونده ها را به کل چک های برگشتی به دست آوریم نتایج زیر حاصل می شود:

جدول ۳- نسبت پرونده های مختومه در امور چک به کل چک های برگشتی

در اتاق پایا پای تهران طی سال های ۱۳۷۸-۱۳۶۳

سال	نسبت (درصد)
۱۳۶۳	۱۱/۹
۱۳۶۴	۱۵/۷
۱۳۶۵	۱۵/۳
۱۳۶۶	۱۳/۷
۱۳۶۷	۱۴/۱
۱۳۶۸	۱۵/۹
۱۳۶۹	۱۷/۳
۱۳۷۰	۱۸/۰
۱۳۷۱	۱۸/۵
۱۳۷۲	۲۳/۰
۱۳۷۳	۱۹/۶
۱۳۷۴	۱۵/۴
۱۳۷۵	۱۶/۶
۱۳۷۶	۱۶/۶
۱۳۷۷	۱۶/۳
۱۳۷۸	۱۸/۳

چنان که مشاهده می‌شود در صد ارائه شکایت از چک‌های برگشتی تا سال ۱۳۷۲ به مرور زمان افزایش یافته به طوری که این نسبت در مقایسه با سال ۱۳۶۳ حدوداً دو برابر شده (۰ و ۲۲ در برابر ۹ و ۱۱)، در حالی که قانون چک در این فاصله زمانی ثابت بوده است. این امر می‌تواند چند علت داشته باشد. یکی این که چک‌های صادره با اهداف متقلبانه و به قصد کلاهبرداری طی این مدت رشد یافته است، به نحوی که ذی‌نفع را مجبور به شکایت کرده است. دلیل دیگر می‌تواند این باشد که صاحبان چک برای رسیدن به حقوق خویش راه شکایت را بیش‌تر ترجیح داده‌اند. البته هر دو دلیل نیز می‌تواند هم‌زمان وجود داشته باشد. اما نکته بسیار مهم کاهش نسبت مذکور بعد از سال ۱۳۷۳ است. به عبارت دیگر در حالی که از این سال به بعد وجه کیفری چک تشدید شد که این امر موجب تسهیل در شکایت و افزایش ضمانت اجرای شکایت است. نسبت پرونده‌ها به چک‌های برگشتی به نحو ملموسی کم‌تر از متوسط سه سال قبل از تغییر قانون چک است. احتمالاً دلیل این تحول، حل سریع‌تر اختلافات ما بین صاحب چک با صادرکننده است، به نحوی که کشیده شدن مسأله به دادگاه را ایجاب نمی‌کند. علی‌القاعده می‌توان گفت که بازگشت به قانون سابق ممکن است بر تعداد شکایات و برگشتی‌ها به شدت بیفزاید. حذف یا تحدید وجه کیفری علی‌القاعده چنین آثاری خواهد داشت.

## ۲- علل افزایش تخلفات مربوط به چک

یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش چک‌های برگشتی نوسانات اقتصادی از قبیل نوسانات نرخ ارز و قیمت کالا است که در پی نوسانات قیمت و سیاست‌های پولی و مالی دولت ایجاد می‌گردد. بی‌ثباتی در متغیرهای کلان اقتصادی، امکان پیش‌بینی در فعالیت‌های سطح خرد اقتصادی را دشوار می‌سازد. از این رو بخشی از معضل چک‌های برگشتی فقط با ایجاد فضای باثبات اقتصادی قابل حل است.

بنابر اظهارات برخی تجار، بازار در سال‌های اخیر در حال رکود است و معاملات نقدی به ندرت انجام می‌شود و لذا برخی تجار ناچار از معاملات وعده‌دار به وسیله چک می‌گردند تا از این طریق به سود مورد نظر دست یابند که در صد زیادی از همین چک‌ها مشکل‌ساز

گذشته از این عامل، بخشی از مشکلات مربوط به چک برگشتی به تخلفات بانک‌ها از قوانین مربوط به چک برمی‌گردد. زیرا در بسیاری از موارد مقررات قانونی در خصوص افتتاح حساب و تحویل دسته چک رعایت نگردیده است. به عنوان مثال، علی‌رغم تصریح بخشنامه بانک مرکزی به کلیه بانک‌ها، گاهی اوقات برخی شعب از اعلام نام افرادی که دارای چک‌های برگشتی هستند به بانک مرکزی خودداری می‌کنند یا گاه علی‌رغم استعلام و پاسخ منفی بانک مرکزی نسبت به افراد متقاضی افتتاح حساب جاری، بانک رأساً به افتتاح حساب جاری و تحویل دسته چک جدید به آن‌ها اقدام می‌کند.

همچنین علی‌رغم تصریح بخشنامه به بانک‌ها مبنی بر استفاده از ۸۰ درصد دسته چک قبلی برای تحویل دسته چک بعدی، بانک‌ها دسته چک جدیدی تحویل داده‌اند. حتی گاهی بانک‌ها به تحویل ۲ یا چند دسته چک جدید به طور هم‌زمان اقدام کرده‌اند که این امر کلاهبرداری افراد سودجو را تسهیل کرده است.

بنا به گفته بسیاری از تجار، قانون شکنی‌های فوق، ریشه در فساد مالی مستقر در روابط کارمندان بانک و مراجعین دارد. در مواردی کارمندان و مسئولان شعبه در قبال دریافت وجوهی از مشتریان مقررات رازیربا می‌گذارند که این امر خود زمینه کلاهبرداری توسط دارندة چک را ایجاد می‌کند. در موارد نادری مسئولان شعبه و کارمندان آن در کلاهبرداری انجام شده شریکند. گاه نیز آدرس و تلفن ثبت شده بر روی کارت حساب جاری جعلی است یا آدرس و تلفن نوشته شده مربوط به یک مغازه یا منزل اجاره‌ای است که صادرکننده چک از آن جابجاء مکان کرده و این امور و پیگیری چک‌های برگشتی را با دشواری روبه‌رو می‌سازد. در صد بسیار کمی از چک‌ها به علت اشکال در شرایط صدور چک برگشت می‌خورند؛ در صد بسیاری از آن‌ها به دلیل فقدان محل برگشت می‌خورند؛ و در صد بسیار کم‌تری به دلیل مسدود بودن حساب پرداخت نمی‌شوند.

در موارد نادری صادرکننده چک به دلیل مبادلات فراوان چک در غیاب حسابداری دقیق، تاریخ سررسید برخی چک‌ها را فراموش کرده و نسبت به ایجاد محل در موعد مقرر اقدام نمی‌کند که همین امر منجر به برگشت خوردن چک می‌شود.

### ۳- میزان زندانیان چک بلامحل در آینه آمار و ارقام

برحسب اعلام سازمان زندان‌ها هم اکنون ۱۵ هزار و ۷۰۰ نفر در ارتباط با چک در زندان هستند (روزنامه ایران ۱۳۸۰/۴/۱۲) که این تعداد حدود ۱۰ درصد زندانیان را تشکیل می‌دهد. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که با رشد اقتصادی و پیچیده‌تر شدن جامعه و بسط فعالیت‌های اقتصادی، میزان استفاده از چک نیز افزایش می‌یابد و به تبع آن آمار چک‌های برگشتی نیز افزایش خواهد یافت. براساس آخرین آمار کتبی منتشره که متعلق به فروردین ماه ۱۳۸۰ است در حال حاضر ۱۵۳۱۷ نفر زندانی به جرم صدور چک بلامحل زندانی‌اند که از این تعداد ۱۵۱۷۹ نفر مرد و ۱۳۸ نفر زن هستند. جداول زیر براساس آمار منتشره فروردین ماه تنظیم شده‌اند.

### جدول ۴- مقایسه زندانیان متهم به صدور چک بلامحل با کل زندانیان برحسب گروه سنی

(فروردین ۱۳۸۰)

طبقه سنی	طبقه سنی									
	۱۲-۱۸	۱۹-۲۵	۲۶-۳۲	۳۳-۳۹	۴۰-۴۶	۴۷-۵۳	۵۴-۶۰	بالتر از ۶۱	جمع	
زندانیان چک	تعداد	۱	۵۱۵	۳۲۳۷	۴۰۷۰	۳۶۲۵	۲۱۳۲	۱۰۱۰	۷۲۷	۱۵۳۱۷
	درصد	۰.۰	۳.۴	۲۱.۱	۲۶.۶	۲۳.۷	۱۳.۹	۶.۶	۴.۸	۱۰۰.۰
کل	تعداد	۲۱۶۳	۳۲۳۹۶	۴۵۹۷۹	۳۳۲۶۷	۲۳۹۹۱	۱۱۶۲۳	۴۵۵۷	۳۸۰۴	۱۵۷۷۶۰
زندانیان	درصد	۱۴	۲۰.۵	۲۹.۱	۲۰.۱	۱۵.۲	۷.۴	۲.۹	۲.۲	۱۰۰.۰
درصد زندانیان چک										
از کل		۰.۰۱	۱.۶	۷.۰	۱۲.۲	۱۵.۱	۱۸.۳	۲۲.۲	۱۹.۱	۹.۷

مأخذ: گزارش ماهانه سازمان زندان‌ها، فروردین ۱۳۸۰.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیش‌تر زندانیان چک در رده سنی ۳۳-۳۹ سال هستند. همچنین با افزایش رده سنی، درصد زندانیان مربوط به چک از کل زندانیان افزایش می‌یابد.

جدول ۵- مقایسه زندانیان متهم به صدور چک بلامحل با کل زندانیان برحسب سطح تحصیلات

تحصیلات		بیواد	نهضت و ابتدایی	سیکل	دیپلم	دانشجو و فوق دیپلم	عالی	حوزوی	کل
تعداد	زندانیان	۱۷۵۱	۶۱۳۷	۳۵۱۰	۳۷۹۵	۵۳۳	۹۷۱	۲۰	۱۵۳۱۷
درصد	چک	۱۱/۴	۳۰/۹	۲۳/۹	۲۴/۸	۳/۴	۶/۳	۰/۱	۱۰۰/۰
تعداد	کل	۳۵۴۱۴	۶۱۶۰۷	۳۸۱۰۵	۱۷۹۶۷	۲۲۳۴	۲۳۴۰	۹۳	۱۵۷۷۶۰
درصد	زندانیان	۲۲/۵	۳۹/۱	۲۴/۳	۱۱/۴	۱۱/۴	۱/۵	۰/۱	۱۰۰/۰
درصد زندانیان چک									
از کل زندانیان		۴/۹	۷/۷	۹/۳	۲۱/۱	۲۳/۹	۴۱/۵	۲۱/۵	۹۰/۷

مأخذ: گزارش ماهانه سازمان زندان ها، فروردین ۱۳۸۰

با افزایش سطح تحصیلات، درصد زندانیان مربوط به چک از کل زندانیان افزایش می یابد؛ به طور کلی حدود ۴۲ درصد زندانیان دارای تحصیلات عالی بوده اند، در حالی که این نسبت برای افرادی بی سواد فقط حدود ۵ درصد و برای افراد با تحصیلات متوسط و دیپلم به ترتیب حدود ۹ و ۲۱ درصد است. این امر نشان می دهد که جرم صدور چک بلامحل عمدتاً مربوط به افراد با تحصیلات بالاتر است. همچنین می توان تصور کرد که این وضعیت برای افراد با تحصیلات بالا بیش از آن که ناشی از ارتکاب عمل مجرمانه به معنای جامعه شناسختی آن باشد، ناشی از وضعیت خاصی است که احتمالاً برای آنان پیش می آید.

جدول ۶- توزیع فراوانی زندانیان متهم به صدور چک بلامحل برحسب گروه شغلی

(تعداد ۷۹۴۷)

نوع شغل	کارگر ساده	بازاری	آزاد	کشاورز	کارمند	بیکار	راننده پایه ۲	بقال
تعداد	۱۶۴۲	۱۵۱۰	۱۳۱۶	۱۱۴۵	۶۸۳	۶۵۶	۵۳۸	۴۵۷
درصد	۲۰/۸	۱۹/۰	۱۶/۶	۱۴/۴	۸/۶	۸/۳	۶/۸	۵/۸

مأخذ: گزارش ماهانه سازمان زندان ها، فروردین ۱۳۸۰

در جدول ۶ در میان زندانیان متهم به صدور چک بی محل، بیشترین تعداد زندانی مربوط به قشر کارگر، بازاری و افراد بامشاغل آزاد است. به دلیل استاندارد نبودن طبقه بندی

مشاغل ذکر شده نمی‌توان مقایسه دقیقی بین جامعه آماری اصلی و تعداد زندانیان متهم به صدور چک بلامحل انجام داد. بنابراین نمی‌توان به قطع در مورد سهم مشاغل مختلف در زندان بابت صدور چک بلامحل قضاوت کرد. از آن جا که افراد بازاری و دارای شغل آزاد در کانون مبادلات تجاری قرار دارند. طبیعی است که بیشترین درصد زندانیان چک را به خود اختصاص داده باشند. درصد زندانیان چک که کارگر ساده‌اند بیش از بقیه اقشار است. دلیل این امر را می‌توان عدم وجود کسب و کار مطمئن برای آن‌ها دانست. معمولاً کسانی که چک برگشتی داشته باشند در صورت وجود کسب و کار و مغازه و اعتبار از سوی دریافت‌کنندگان چک بی‌محل مهلتی می‌یابند تا تعهد خود را عملی کنند و لذا در موارد کمی این‌گونه مناقشات به دادگاه کشیده می‌شود.

در بیش‌تر موارد، دارندگان چک بی‌محل معتقد هستند که در صورت امهال بیش‌تر صادرکننده چک قادر به تأدیه وجه چک خواهد بود، از این‌رو دارندگان چک برای دریافت طلب خود از شکایت صرف‌نظر می‌کنند. اما در مورد افرادی که کارگر ساده هستند و موقعیت شغلی مطمئنی ندارند حتی پس از سپری شدن دوران مجازات کیفری با حکم یوم‌الادا مواجه می‌شوند. لذا به دلیل عدم توانایی بازپرداخت مبلغ مذکور کماکان در زندان باقی می‌مانند. از این‌رو بیش‌ترین تعداد زندانیان مربوط به چک را در جامعه آماری فوق به خود اختصاص داده‌اند.

با توجه به این‌که مزد و حقوق‌بگیران دولتی نزدیک به ۳۰ درصد از شاغلین را تشکیل می‌دهند (نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵) می‌توان استدلال کرد که این گروه در مقایسه با سهم خودشان در جامعه آماری به نسبت خیلی کم‌تری مرتکب صدور چک بلامحل شده‌اند.

#### ۴- سیمای چک از حیث به روز یا مدت‌دار بودن آن

به روز بودن یا مدت‌دار بودن چک: به نظر یکی از مسئولین بانکی، اشخاص حقوقی بیش‌تر از اشخاص حقیقی از چک‌های «به روز» استفاده می‌کنند. همان‌طور که اشاره شد بیش‌ترین حجم چک‌ها را چک‌های مدت‌دار تشکیل می‌دهد. حجم کم‌تری از چک‌ها بابت تضمین قرار داده‌ها به کار می‌رود و بخشی از آن‌ها نیز به عنوان قائم مقام پول نقد به کار گرفته می‌شود.

بخش کوچکی از تجار از به کارگیری چک‌های وعده‌دار احتراز می‌کنند. از آن‌جا که خرید و فروش به صورت نقد، ارزان‌تر از خرید و فروش با چک و وعده‌دار انجام می‌شود، مبادلات تجاری به صورت نقد به ندرت انجام می‌گیرد. مدت زمان چک‌های وعده‌دار نیز بر حسب نوع فعالیت‌ها متفاوت است. برای مثال مدت چک‌های وعده‌دار در ساخت و ساز ساختمان عموماً بیش از ۳ ماه است. ولی به طور متوسط می‌توان گفت چک‌ها برای فاصله زمانی بین ۲ تا ۴ ماه صادر می‌شود. وقتی بازار در حال رکود است، مدت چک‌های وعده‌دار افزایش می‌یابد.

به گفته برخی از تجار در عرف بازار فعلی به دلیل رکود زیاد در بازار، خرید و وعده‌دار تا مدت یک ماه با همان قیمت خرید نقدی انجام می‌شود، ولی خریدهای با مدت طولانی‌تر گران‌تر خواهد بود؛ زیرا علاوه بر ریسک موجود، هزینه فرصت پول دریافت نشده نیز باید در نظر گرفته شود. در بعضی اصناف که رقابت شدیدتر است، افراد برای فروش محصول خود ناچار به فروش وعده‌دارند. به عنوان مثال، بازار ماکارونی در حال حاضر به شدت رقابتی است و فروشگاه‌های بزرگ رفاه و شهروند عموماً به صورت وعده‌دار جنس را از تولیدکنندگان دریافت می‌کنند و معمولاً پس از ۲ ماه وجه جنس دریافت شده را تحویل می‌دهند. تولیدکنندگان ماکارونی برای فروش تولید خود و امکان بقا در این بازار پررقابت ناچار به پذیرش شرایط تحمیل شده توسط فروشگاه‌های مذکور هستند. مثال دیگر، وزارت اقتصاد و دارایی است از آن‌جا که مالیات‌های تعیین شده از نظر پرداخت‌کننده سنگین است، پرداخت آن به طور یکجا برای عموم کسبه آسان نیست و لذا وزارتخانه مزبور برای تسهیل پرداخت، تقسیط مالیات از طریق چک‌های وعده‌دار را طرح کرده که به شدت مورد استقبال قرار گرفته است. حالت این‌که این کار طبق قانون چک عملی غیرقانونی است، ولی وزارت مذکور که متولی بانک‌ها و مجری قانون است آن را نادیده می‌گیرد!

## ۵- پیگیری قضایی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد در خصوص چک برگشتی بیش‌تر افراد از طرح دعوا خودداری و سعی می‌کنند پیش از آن با صادرکننده چک به نوعی توافق دست یابند، زیرا به اعتقاد عموم

توافق‌های به دست آمده پس از مراجعه به دادگاه و حل و فصل قضایی نوعاً نامطلوب‌تر از حالت قبل است. در مواردی که کلاه‌های خریداری شده کالای نهایی است و در تعداد کم و برای اموری نظیر تکمیل جهیز و... خریداری شده، مراجعه به دادگاه انجام نمی‌شود، زیرا فروشندگان تقریباً مطمئن هستند که قصد کلاهبرداری وجود ندارد و خریدار در اولین فرصت ممکن وجه مورد مطالبه را تأدیه خواهد کرد.

پیگیری قضایی چک‌های برگشتی معمولی روال تقریباً مشخصی دارد. لذا افرادی که یک بار با چک بلامحل مواجه شوند و ناچار به طرح دعوا گردند با روال کار آشنا شده در موارد بعدی از وکیل استفاده نخواهند کرد و خود می‌توانند شخصاً دعاوی خود را پیگیری کنند. معمولاً کسانی که با مبادله چک سر و کار زیادی دارند به دلیل مواجهه زیاد با مسأله چک بی‌محل با روال‌های قضایی و اجرایی به خوبی آشنا می‌شوند و می‌توانند به سرعت اقدامات قانونی را انجام دهند. این تجربه امکان کسب درآمد از این راه را برای آن‌ها فراهم کرده است. به این افراد که می‌توانند مسئولیت چک‌های پردر دسر و غیر عادی را بپذیرند و به سرانجام رسانند در عرف «شرخر» اطلاق می‌شود. در مواردی که آدرس صادرکننده چک غلط است یا صادرکننده چک فراری است یا نیروی انتظامی همکاری خوبی با دارندگان چک برگشتی ندارد یا صادرکنندگان چک از کلاهبرداران حرفه‌ای‌اند و دارندگان چک برگشتی به دلیل ملاحظات اخلاقی و آبرویی نمی‌توانند با افراد فوق‌الذکر مواجه شوند، چک برگشتی به افرادی که تظاهر به وکالت می‌نمایند (که عرفاً به آن‌ها شرخر اطلاق می‌شود) واگذار می‌شود. این افراد ارتباطات غیر رسمی و وسیعی در نیروی انتظامی، قوه قضاییه و بانک‌ها دارند و با استفاده از این ارتباطات می‌توانند روند رسیدگی و پیگیری چک‌های برگشتی را تسریع بخشند. شرخرها بسته به وضعیت چک و دشواری‌های موجود در پیگیری آن، درصد مختلفی از وجه چک را به دارنده آن می‌پردازند و چک را در اختیار می‌گیرند. در مواردی شرخرها تنها ۳۰ درصد وجه چک را می‌پردازند و به دنبال کسب ۷۰ درصد باقیمانده می‌روند. از آن‌جا که شرخرها درآمد زیادی از این راه کسب می‌کنند لذا انعطاف کم‌تری در ایجاد توافق با صادرکننده چک از خود نشان می‌دهند. این امر در دادگاه‌ها به وضوح دیده می‌شود که پرونده‌هایی که شاکی آن شرخرها هستند بسیار دشوارتر حل و فصل می‌گردد.

تقریباً تمامی افراد مصاحبه شونده مدعی بودند که در صورت برگشت خوردن چک‌ها به شرخرها مراجعه نمی‌کنند زیرا مراجعه به شرخرها را به نوعی مادون شخصیت خود و کسانی می‌دانند که با آن‌ها اختلاف مالی دارند.

یکی از مشکلاتی که عموم دریافت‌کنندگان چک‌های بی‌محل اظهار می‌دارند دشواری‌های موجود برای پیدا کردن اموال صادرکننده چک بی‌محل است. بنا به اظهار این افراد، مرکز مشکلی که دارای اطلاعات مربوط به اموال کلیه افراد باشد و در صورت لزوم براساس درخواست مقام قضایی این اطلاعات را در اختیار دادگاه قرار دهد وجود ندارد که این امر خود پیگیری قضایی این‌گونه تخلفات را دشوار کرده، میزان اقبال به شرخرها را افزایش داده است. لازم به ذکر است که براساس قوانین موجود، بعضی اموال را نمی‌توان بابت دین توقیف کرد که اصطلاحاً به آن‌ها «مستثنیات دین» گفته می‌شود که شامل منزل، وسیله کار، جهیز همسر، تلفن و... می‌گردد. از آن‌جا که ارزشگذاری اقلام فوق خصوصاً در مورد منزل دشوار است به عنوان مانعی برای حل و فصل اختلافات ظاهر می‌شود.

بنا به گفته یکی از قضات حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد شکایات واصله در ارتباط با چک به زندانی شدن متهم منتهی می‌شود؛ حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد شکایات در دادگاه با مصالحه خاتمه می‌یابند؛ حدود ۳۰ درصد از شکایات از سوی شاکیان پیگیری نمی‌شود که نشان از حل و فصل اختلافات خارج از دادگاه دارد و در حدود ۲۰ درصد از موارد نیز متهمین فراری‌اند و دسترسی به آن‌ها میسر نیست.

#### ۶- نگاهی به تجربه دیگر کشورها در مورد مسأله چک

انگلستان در سال ۱۹۸۲ قانون حواله (bill of exchange) را تصویب کرد که طبق آن چک چیزی جز حواله در حقوق مدنی نیست؛ یعنی به جای توجه به درجه و نوع واکنش اجتماعی علیه جرایم مربوط به چک به ماهیت و نفس عمل صدور چک توجه کرده و آن را از قلمرو حقوق جزا خارج کرده‌اند. به این ترتیب، طبق مقررات راجع به کلاهبرداری صرفاً استفاده متقلبانه عمدی از این حواله به عنوان وسیله‌ای برای بردن مال غیر - در صورتی که همراه با سوءنیت باشد - جرم است. با وضع این قانون، بانک‌ها باید زمینه و بسترهای سوءاستفاده از

این وسیله مبادلاتی (چک) را از بین ببرند و به نوعی پلیس چک محسوب شوند.

کشور فرانسه در دسامبر ۱۹۹۲ قانونی مشابه قانون انگلستان در باب چک تصویب کرد. ولی قبلاً در سال ۱۹۷۵ سیستم جدیدی برای پیشگیری و برخورد با جرایم چک پیش‌بینی شده بود که طی آن از حقوق دریافت‌کنندگان چک بهتر حمایت می‌شد. تمام مؤسسات مرتبط موظف به تنظیم مقررات سخت و دقیقی در خصوص افتتاح حساب و صدور دسته چک شدند. با توجه به کارکرد پیشگیرانه‌ای که به بانک‌ها داده شد دادگاه‌های کیفری موظف به تعقیب جرایمی مانند صدور چک بلامحل در شرایط کاملاً متقلبانه یا در موارد نقض تحریم صدور چک توسط افراد شدند. براساس این قانون، حمایت بیش‌تری از دریافت‌کنندگان چک به عمل آمد. این حمایت از طریق اجبار بانک‌ها و ادارات پست به تضمین پرداخت تمام چک‌هایی که مبلغ آن‌ها از صد فرانک فرانسه تجاوز نمی‌کند به عمل می‌آید. همچنین مؤسساتی تأسیس شده است که برای افراد منع شده از صدور چک، دسته چک‌هایی صادر می‌کند و طبعاً در برابر دارنده چک مسئولیتی را تقبل می‌کند. این تمهیدات در نظر گرفته شده موجب کاهش صدور چک بلامحل به میزان ۴۸ درصد از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۶ است.

در دانمارک صدور چک بلامحل مجازات کیفری ندارد. فقط مواردی که برای اغفال فرد دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد تحت مقررات مربوط به کلاهبرداری جرم تلقی می‌شود. معمولاً پرداخت چک‌های کم‌تر از ۳۰۰ (DKR) توسط بانک تضمین می‌شود حتی اگر مبلغی در حساب موجود نباشد.

در سوئد مجازات کیفری شدیدی برای جرایم چک که شامل جعل و تقلب در چک می‌شود در نظر گرفته شده است. اگر جرم به خاطر بی‌احتیاطی ارتکاب یابد مرتکب به مجازات جریمه، در موارد سنگین‌تر و مهم‌تر به حداکثر ۶ ماه حبس محکوم می‌شود. براساس آمار منتشره در سال ۱۹۷۲، ۷۳۱۵ نفر، در سال ۱۹۷۳، ۴۹۲۶ نفر و در سال ۱۹۷۴، ۵۸۰۰ نفر در ارتباط با چک محکوم به کلاهبرداری گردیده‌اند.

در نروژ مجازات چک بلامحل جریمه است؛ اما در صورت تکرار جرم و در مواردی که مبلغ چک زیاد است مجازات حبس داده می‌شود. چنانچه از قربانی جرم، جبران خسارت شود، مجازات حبس تعلیقی داده خواهد شد.

در هلند صدور چک بی محل جرم کیفری خاصی محسوب نمی‌شود؛ حتی اگر صادرکننده چک از این‌که بانک به او اعتبار نخواهد داد و پرداخت چک ممکن نباشد، آگاه باشد. در شرایط خاص ممکن است در رابطه با چک بلامحل مقررات کیفری عمومی اعمال شود. اما این امر شامل چک‌های تضمینی بلامحل نمی‌شود. لازم به یادآوری است فقط صورتی که عناصر مؤید کلاهبرداری در صدور چک بلامحل اثبات گردد مقررات کیفری عمومی اعمال می‌شود. همچنین اصدار چک بی محل در مقابل کالا در صورتی که صادرکننده از پرداخت نشدنی بودن آن نزد بانک آگاه باشد در صورت تکرار می‌تواند مشمول این ماده شود. تعداد افرادی که به استناد حالت اول محکوم شده‌اند در سال ۱۹۷۷، ۳۸ نفر، در سال ۱۹۷۱، ۹۹ نفر و در سال ۱۹۷۵، ۶۹ نفر هستند. تعداد افرادی که به استناد حالت دوم محکوم شده‌اند در سال ۱۹۶۷، ۳۷۷ نفرند.

در استرالیا چک‌هایی تا مبلغ ۲۵۰۰ شیلینگ استریلیایی ضمانت شده است. اساساً در کشورهای اروپایی و استرالیا رابطه‌ای بین بانک و مشتری برقرار است که بانک تمایل به گزارش پرونده‌های چک بی محل به پلیس و قوه قضاییه ندارد. فقط موارد جدی‌تر نظیر گشایش متقلبانه حساب از روی عمد و صدور متقلبانه چک بلامحل - مخصوصاً در موارد تکرار یا مبالغ بالا - و جعل موضوع به پلیس گزارش می‌شود.

در آلمان از سال ۱۹۶۸ بانک‌ها تضمین پرداخت چک‌هایی که مبلغ آن‌ها کم‌تر از ۳۰۰ مارک است را بر عهده دارند. در آلمان اشخاصی که دارای درآمدهای ثابت هستند عموماً مجاز به اضافه برداشت از حسابشان بالغ بر درآمد یک ماهه خود هستند. این مقررات در پرداخت چک‌های بلامحل نیز اعمال می‌شود. در موارد اضافه برداشت از حساب، قواعد اعتباری تجار اعمال می‌شود. در این قلمرو، تفاوتی بین چک‌های تضمینی و دیگر چک‌ها نیست. اگر بانک از پرداخت چک خودداری کند و به عبارت دیگر چنانچه صادرکننده اعتبار خود را از دست داده باشد بانک به او اخطار کرده، از او هزینه ناچیزی حدود ۳ مارک مطالبه می‌کند. برای بار دوم نیز همین روند طی می‌شود؛ اما برای مرتبه سوم بانک از مشتری خود می‌خواهد که برگه چک را عودت دهد و برخی اوقات تمام چک‌های سفید را اعاده می‌کند. تعداد چک‌هایی که به خاطر خالی بودن محل و فقدان اعتبار بدون پرداخت باقی مانده‌اند

حدود ۲ درصد تا ۵/۲ درصد از تعداد کل چک‌هایی است که صادر شده است. در آلمان نیز مقررات کیفری ویژه‌ای برای جرایم چک وجود ندارد. جرم مربوط به چک جرم کلاهبرداری است. از لحاظ حقوقی در کلاهبرداری چنانچه به فردی چکی داده شود و صادرکننده از غیر قابل پرداخت بودن چک به هنگام ارائه نزد بانک مطلع باشد اغفال رخ داده است. با این حال اگر صادرکننده با این اعتقاد و تصور که حسابش قبل از ارائه چک به بانک دارای وجه است یا به امید این که بانک به او اعتبار می‌دهد چک را صادر کرده باشد، صادرکننده قابل مجازات نخواهد بود. ۷۵ درصد کسانی که در سال ۱۹۷۵ محکوم به حبس کلاهبرداری (از هر نوع) شدند به جریمه محکوم گردیدند؛ ۱۳ درصد محکوم به حبس تعلیقی و ۱۲ درصد محکوم به حبس شدند که ۵۰ درصد محکومین کم‌تر از ۶ ماه حبس داشتند.

در ایتالیا مجازات کیفری چک برای مبالغ کم، جریمه و برای مبالغ سنگین‌تر مجازات حبس است.

### بررسی و نقد لایحه اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ و اصلاحات بعدی آن

مطالب این بخش در دو قسمت ارائه می‌شود: بخش اول آن مربوط است به جنبه‌های شکلی لایحه که البته بسیار مختصر است و بخش دوم به مسائل اساسی و ماهوی لایحه ارتباط دارد و طبیعتاً تفصیل بیش‌تری دارد.

#### بخش اول - موارد شکلی لایحه

در خصوص جنبه‌های شکلی لایحه چند نکته زیر قابل امعان نظر است:

- ۱- ترتیب مواد قانون فعلی باید به طریق زیر باشد: ماده ۹ بلافاصله بعد از ماده ۱ قرار می‌گیرد، چرا که ماده ۹ از اصلاح ماده ۷ قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ صحبت می‌کند، که باید بعد از ماده ۱ قرار بگیرد که از ماده ۳ قانون صحبت می‌کند. بدین ترتیب ماده ۲ فعلی لایحه

باید به ماده ۳، ۴ به ۵، ۵ به ۶، ۶ به ۷، ۷ به ۸ تبدیل شود. ماده ۸ فعلی نیز باید به ماده ۹ تبدیل شود که مربوط است به ماده ۶۹۶ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی.

۲- پراکنش های دور مواد اصلاحی قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ نیز باید برداشته شود.

۳- در ماده ۱۲ اصلاحی ۱۳۷۲ بهتر است عین عبارت تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶ ۳۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام ذکر گردد. نه این که به این تبصره ارجاع داده شود.

۴- اصلاحاتی که روی متن لایحه قید شده است (به شرح پیوست) باید انجام شود. این اصلاحات عبارت است از حذف عبارت «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» و جانشین کردن آن صرفاً با عبارت «قانون صدور چک». در حقیقت وقتی عنوان لایحه عبارت است از «لایحه اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ و اصلاحات بعدی (۱۳۷۲ و ۱۳۷۶)» دیگر لازم نیست که عبارت «قانون اصلاح موادی از...» در هر ماده تکرار شود.

#### بخش دوم- پیشنهاد های راجع به مسائل ماهیتی لایحه

- ۱- از آنجا که جرم صدور چک بلامحل از مصادیق کلاهبرداری است، لذا احراز سوء نیت صادرکننده چک بی محل ضرورت دارد. ممکن است عملاً صادرکننده چک بی محل از موجودی بانکی خود در موقع صدور چک بی اطلاع باشد (مثلاً وجه چکی که شخص به حساب سپرده هنوز وصول نشده باشد). بنابراین صرف صدور گواهی عدم پرداخت از سوی بانک برای احراز سوء نیت صادرکننده کافی نیست. ماده (۳) قانون صدور چک در گذشته مقرر می داشت قبل از تعقیب کیفری لازم است با پست سفارشی یا به نحو مقتضی موضوع بلامحل چک به اطلاع صادر کننده برسد و در صورت عدم تأدیه وجه چک سوء نیت او احراز شود. لذا به نظر می رسد احیاء این ماده مجدداً ضروری می باشد.
- ۲- در ماده ۱ لایحه پیشنهاد شده است که عبارت «اعتبار قابل استفاده» از ماده ۳ قانون صدور چک حذف شود. به نظر به جای حذف عبارت «اعتبار قابل استفاده» صرفاً باید لفظ

«اعتبار» که در عرف فعلی بانکی ما مصداق عملی خود را از دست داده حذف شود، به عبارت دیگر، عبارت «قابل استفاده» باید متصل به «وجه نقد» باقی بماند. در واقع گنجاندن لفظ «وجه نقد» بدون وصف «قابل استفاده» این شبهه را ایجاد می‌کند که همین که در حساب صادرکننده چک، وجه نقد وجود دارد کافی است تا او قابل تعقیب نباشد، در حالی که ممکن است وجه نقد در حساب او باشد، اما به دلیلی - از جمله اعلام ورشکستگی صادرکننده از جانب اداره تصفیه به بانک یا توقیف قضایی - وجه «قابل استفاده» نباشد. خلاصه مطلب این است که صادرکننده باید زمانی چک صادر کند که مطمئن است اگر چک به بانک ارائه شود حتماً پرداخت می‌شود. بنابراین، متن ماده باید به این ترتیب باشد: «صادرکننده چک باید در تاریخ صدور، معادل مبلغ چک در بانک محال علیه وجه نقد قابل استفاده داشته باشد...».

۳- ماده ۳ لایحه پیشنهادی مقرر می‌کند که: «ماده ۱۳ قانون (اصلاح موادی از) قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ حذف و متن ذیل جایگزین آن می‌گردد:

«چک‌هایی که بابت تضمین، تأمین اعتبار، سفید امضا، بدون تاریخ، وعده‌دار یا به صورت مشروط صادر می‌گردد، از نظر این قانون قابل تعقیب کیفری نمی‌باشد.»

از نظر عبارتی این ماده باید به این نحو نوشته می‌شد:

چک‌هایی که بابت تضمین، تأمین اعتبار یا به صورت سفید امضا، بدون تاریخ، وعده‌دار یا مشروط صادر می‌شوند، از نظر این قانون قابل تعقیب کیفری نیستند.

تبصره - احراز موارد فوق بر عهده مرجع قضائی است.

از نظر ماهیتی نیز نکات زیر، در مورد این ماده، درخور توجه است:

اولاً باید قید شود که «اثبات این که چک بابت تضمین و تأمین اعتبار، یا به صورت سفید امضا، بدون تاریخ، وعده‌دار یا مشروط صادر می‌شود» با صادرکننده است.

ثانیاً هرگاه متن چک متضمن عبارتی که آن را از مصادیق این ماده قرار دهد، نباشد، عمل صادرکننده مشمول این ماده نمی‌شود، مگر آن که صادرکننده، با دلایل دیگر ثابت کند که چک از مصادیق این ماده است و دارنده از این امر با اطلاع بوده است.

ثالثاً در ماده باید قید شود که بانک‌ها به هر حال، در صورت عدم وجود محل یا غیر قابل

پرداخت بودن آن، مکلف به صدور گواهی موضوع ماده ۴ قانون خواهند بود.

رابعاً در ماده باید قید شود که: «منظور از چک سفید امضا، چکی است که فاقد مبلغ باشد» تا این فکر غلط بر طرف نشود که چکی که یکی از شرایط قانونی - مثل تاریخ، نام دارنده و امثال آن - را نداشته باشد چک سفید امضا تلقی می‌شود.

خامساً در ماده باید قید شود که منظور از چک وعده دار اعم از چکی است که تاریخ صدور مندرج در آن مؤخر بر تاریخ صدور واقعی است یا چکی که دارای تاریخ صدور و تاریخ پرداخت متفاوت است.»

۴- در ماده ۴ لایحه فعلی پیشنهاد شده است که تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون صدور چک به شرح زیر اصلاح شود:

«پرداخت چک‌های تضمین شده و مسافرتی بانکی را نمی‌توان متوقف نمود، مگر به دستور مقام قضایی یا در موردی که بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید؛ اما اولاً باید به چک‌های تضمین شده و مسافرتی عبارت «چک‌های تأیید شده» را نیز که در ماده ۱ قانون صدور چک به آن‌ها اشاره شده اضافه کرد، چرا که این نوع چک‌ها به همان اندازه که چک‌های تضمین شده جلب اعتماد می‌کنند، موجب اعتمادند و بنابراین دارنده آن باید بتواند به همان سهولت وجه آن را دریافت کند.

ثانیاً عبارت «مگر به دستور مقام قضایی یا در موردی که بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل کند» باید به این عبارت تبدیل شود: «مگر به دستور مقام قضایی و در موردی که بانک صادرکننده یا تأیید کننده نسبت به آن اعلام جعل کند». در واقع اگر به مقام قضایی اجازه داده شود که در هر مورد به تشخیص خود، جلوی پرداخت چک تضمین یا تأیید شده را بگیرد و وضع کسانی که دارنده این گونه چک‌ها هستند از وضع کسانی که دارنده چک‌های عادی هستند بدتر خواهد شد. توضیح این که اگر دارنده در مورد چک‌های عادی فقط در موارد حصری مندرج در ماده ۱۴ ممکن است از دریافت وجه چک محروم شود، در مورد چک‌های تضمین شده و تأیید شده ممکن است به تشخیص قاضی، در هر مورد به ادعا و بنابر مطالبه ذی‌نفع از دریافت وجه چک محروم شود و این نقض غرض است، چرا که منظور قانونگذار در حقیقت این است که دارنده چک تضمین شده و تأیید شده از تسهیلات

بیش تری برای دریافت وجه چک استفاده کند. البته عبارت پایانی متن اصلاحی یعنی «در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۴ محفوظ خواهد بود» باید به متن پیشنهادی اضافه شود.

۵- در ماده ۵ لایحه پیشنهاد شده است که ماده ۲۱ قانون صدور چک به شرح زیر اصلاح شود: «بانک‌ها مکلفند کلیه حساب‌های جاری اشخاصی را که ظرف سه سال بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده‌اند و تعقیب آن‌ها منتهی به کیفر خواست شده باشد بسته و حساب دیگری نیز برای (او)، باز ننمایند و در صورت محکومیت قطعی تا سه سال به نام آنان حساب جاری دیگری باز ننمایند».

در خصوص ماده پیشنهادی چند نکته قابل ذکر است:

اولاً در حال حاضر، به سبب حذف دادسرا، کیفرخواست مصداق ندارد. آیا لازم است این لفظ در شرایط فعلی در قانون آورده شود؟ پاسخ به این سؤال در دو فرض متفاوت ممکن است داده شود: اگر دادسرا تقریباً احیاء شود لفظ «کیفرخواست» باید در ماده باقی بماند؛ اما اگر چنین نیست، باید لفظ «کیفرخواست» از این ماده حذف شود. اما اگر این لفظ حذف شود، از چه زمانی باید حساب اشخاصی که «ظرف سه سال بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده‌اند» بسته شود؟

سؤال اخیر قبلاً از اداره حقوقی قوه قضاییه به عمل آمده است و اداره مزبور در نظریه شماره ۷/۸۲۲۶ مورخ ۱۱/۲۳/۱۳۷۳ خود در این مورد چنین پاسخ داده است: «در مواردی که با تشکیل دادگاه عمومی در محل، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اجرا می‌شود که نتیجه آن حذف پست دادستانی و منتفی شدن صدور کیفرخواست است. دادگاه عمومی در زمانی که پرونده را با رسیدگی مقدماتی معد برای اتخاذ تصمیم نهایی می‌بیند باید مراتب صدور چک بلا محل و شکایت ذی نفع را با اطلاعات مورد نیاز با توجه به ماده ۲۱ قانون صدور چک و تبصره ذیل ماده ۳ و ۵ آیین نامه تعیین ضوابط و مقررات محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری مصوب ۱۳۷۳/۸/۲۵ به بانک مرکزی اطلاع دهد».

این نظر با اصول حقوقی منطبق نیست. در واقع، با دقت در قانون سابق - یعنی قانون زمان وجود دادسرا - متوجه خواهیم شد که نظر قانونگذار این بوده که تا قاضی رسیدگی کننده

دادیار یا باز پرس) یقین حاصل نکرده که انتساب جرم به متهم (صادرکننده) مسلم است و او باید به مجازات برسد. نباید او را از داشتن حساب جاری محروم کند. این قاعده با اصل برائت متهم منطبق است. مگر آن که او با «تصمیم قضایی» محکوم شود. یکی از مصادیق «تصمیم قضایی» در سابق «کیفرخواست» بود که حکایت از نظر قضایی باز پرس و دادسرا به قبایل مجازات بودن متهم داشت. در نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه به چنین امری توجه نشده و گفته شده که اگر پرونده معد صدور رأی باشد. مراتب باید به بانک اطلاع داده شود تا حساب شخص متهم بسته شود. اولاً معد بودن پرونده برای صدور رأی حتماً به معنای آن نیست که قاضی باید رأی به محکومیت متهم بدهد. بلکه بدین معنا است که پرونده آماده صدور رأی است. ثانیاً اصولاً اگر پرونده معد صدور رأی باشد قاضی باید بلافاصله حکم قضیه را صادر کند و اگر این حکم مشعر بر محکومیت متهم باشد. زمانی که پرونده معد صدور رأی است و زمانی که حکم صادر می شود با یکدیگر منطبق خواهند بود. بنابراین اگر قرار است که لفظ کیفرخواست حذف شود، تکلیف مرجع رسیدگی کننده در اعلام به بانک برای بستن حساب متهم باید به زمان حکم موکول شود. چه اگر حکم صادر نشود، «تصمیم قضایی» قاضی بر محرم بودن متهم وجود ندارد.

ثانیاً در متن پیشنهادی آمده است که: «بانک‌ها مکلفند کلیه حساب‌های جاری اشخاصی را که... چک بی محل صادر کرده‌اند... بسته و حساب دیگری برای او (آن‌ها) باز نمایند و در صورت محکومیت قطعی تا سه سال به نام آنان حساب جاری دیگری باز نمایند. منظور از «حساب دیگری» چیست؟ قاعدتاً باید منظور «حساب جاری دیگری» باشد. نه هر حسابی (مثل حساب پس انداز). پس این ابهام باید با قید کلمه «جاری» بعد از لفظ «حساب» و قبل از لفظ «دیگری» رفع شود. ابهام دیگر مربوط به تاریخ شروع محکومیت سه ساله به بسته شدن حساب جاری است. از چه تاریخی این مدت سه ساله شروع می شود؟ از تاریخ اولین حکم (یعنی حکم غیر قطعی) یا از تاریخ حکم قطعی؟ این نکته نیز باید در لایحه روشن شود. به نظر این مهلت باید از تاریخ اولین حکم باشد.

پیشنهاد می شود ماده ۵ لایحه فعلی باید به شکل زیر تنظیم شود:

«ماده ۵ قسمت اول ماده ۱ قانون صدور چک به شرح زیر اصلاح می شود:

بانک‌ها مکلفند کلیه حساب‌های جاری اشخاصی را که ظرف سه سال پیش از یک بار چک بی‌محل صادر کرده‌اند و تعقیب آن‌ها منتهی به صدور حکم غیر قطعی شده است، بسته و جز در صورت اعلام حکم قطعی برائت، تا سه سال از تاریخ بسته شدن حساب، حساب جاری دیگری برای آنان باز نکنند.»

به این ترتیب، صدور قرار موقوفی تعقیب به سبب گذشت شاکی خصوصی، پرداخت وجه چک و به طور کلی موارد مندرج در ماده ۱۲ برای بازکردن مجدد حساب کافی نیست، بلکه فقط در صورتی که معلوم شود صادرکننده در حقیقت جرمی مرتکب نشده و استحقاق برائت داشته، بانک مجاز به افتتاح حساب جدید خواهد بود.

۶- در مورد ماده ۶ لایحه که مقرر می‌کند: «از متن ماده ۲۲ قانون صدور چک عبارت «مگر آن‌که متهم به ترتیب مقرر در تبصره ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری نشانی دیگری تعیین کرده باشد» حذف می‌گردد. در این خصوص مطلب خاصی به نظر نمی‌رسد.

۷- در مورد ماده ۷ لایحه که ماده ۱۸ و تبصره آن را حذف و ماده جدیدی جانشین آن می‌کند، خوب است که بعد از ماده ۱۳۴ عبارت «به بعد» نیز ذکر گردد که مقررات ماده ۱۳۴ به بعد، نه فقط مقررات ماده ۱۳۴، قابل اعمال باشد.

۸- ماده ۸ لایحه فعلی مقرر می‌کند که: «ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ و ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ و مقررات مشابه در مورد جرم صدور چک بلا محل پرداخت نشدنی قابل اعمال نمی‌باشد و محکوم علیه پس از تحمل مجازات قانونی حبس یا جزای نقدی از زندان آزاد خواهد شد. ولی تا قبل از پرداخت وجه چک و ضرر و زیان ناشی از جرم به دارنده چک، بنا به دستور دادگاه حق خروج از کشور را نخواهد داشت و به علاوه ممکن است با حکم دادگاه از برخی از حقوق اجتماعی نیز محروم شود.»

مفهوم این ماده این است که «هرگاه کسی مرتکب صدور چک بلا محل شد و به خاطر آن زندانی گردید یا به جریمه نقدی محکوم شد و به علت عدم پرداخت زندانی شد و مدت زندانی بودنش به پایان رسید، دیگر به سبب عدم پرداخت وجه چک و ضرر و زیان ناشی از آن به دارنده (شاکی) تا یوم‌الاداء در زندان باقی نخواهد ماند. چه تفاوتی میان صادرکننده چک

بلامحل که مرتکب جرم شده و دیگر مجرمین وجود دارد؟ فرض کنیم کسی مرتکب جرم کلاهبرداری شده است. چه تفاوتی میان او و کسی است که چک بلامحلی را تحت شرایط مندرج در ماده ۳ قانون صدور چک صادر کرده. یعنی چکی که دارنده آن انتظار داشته است که دارای محل باشد؟

کلاهبرداری. علاوه بر زندانی شدن به سبب ارتکاب عمل کلاهبرداری، مطابق مواد ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ باز هم باید تا یوم‌الاداء در زندان باقی بماند ولی محکوم علیه چک بلامحل نباید در چنین شرایطی باشد؟ اگر چه به ماده ۶۹۵ و ماده ۲ مرقوم انتقادات عمده وارد است، لکن دلیلی نیست که حال که قرار است جرمی به نام جرم صدور چک بلامحل باقی بماند، بین جرم چک بلامحل و دیگر جرایم قابل به تفکیکی این چنین بشویم. به نظر، همین که قانونگذار در شرایط فعلی، جرایم موضوع ماده ۱۳ را حذف کرده و نحوه اخذ قرار تأمین از متهم صدور چک بلامحل را تعدیل کرده. خود گام مهمی است. البته همان‌طور که گفته شد، خود ماده ۶۹۶ قابل انتقاد است و به خصوص تبصره آن باید به گونه‌ای اصلاح شود که قبل از رد درخواست اعسار محکوم علیه به پرداخت مال یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم، او قابل حبس نباشد. لکن این ماده مورد بحث ما نیست و از آن می‌گذریم.

در انتهای ماده مورد بحث نیز آمده است که «مقررات این ماده نسبت به کسانی که قبل از تصویب این قانون محکوم به حبس یا جزای نقدی شده و در حال تحمل کیفر می‌باشند قابل اعمال می‌باشد. این قسمت از ماده در واقع باید به شرح زیر به صورت ماده مستقلی در انتهای لایحه آورده شود: «مقررات این قانون... قید عبارت پیشنهادی در انتهای ماده ممکن است این شبهه را ایجاد کند که «فقط مقررات این ماده» در مورد اشخاصی که قبلاً محکومیت یافته‌اند قابل اعمال است. در حالی که واقعیت این است که به موجب مقررات جزایی اصولاً قوانین معتدل بعدی در مورد اشخاصی که قبلاً مرتکب جرم مشمول این قوانین شده‌اند، لازم‌الاجرا هستند و اصولاً نیاز به قید این نکته در قانون جدید وجود ندارد. پس به طور خلاصه، بهتر است ماده ۸ لایحه فعنی حذف شود. به علاوه درج محرومیت اجتماعی در این ماده تا حدودی مبهم است. زیرا دامنه محرومیت‌های اجتماعی که به عنوان محکومیت‌های

تبعی مورد نظر واقع می‌شود باید توسط قانونگذار معلوم گردد.

۹- ماده ۹ لایحه پیشنهادی مقرر می‌کند که: «ماده ۷ اصلاحی سال ۱۳۷۲ به شرح زیر اصلاح می‌گردد: «هر کس مرتکب بزه صدور چک بلامحل شود به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی معادل یک چهارم تا یک دوم تمام وجه چک یا یک چهارم تا یک دوم کسر موجودی هنگام ارائه چک محکوم خواهد شد.

تبصره - این مجازات شامل مواردی که چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و با بهره ربوی صادر شده نمی‌باشد».

به نظر می‌آید که در لایحه سهواً لفظ «یا» آورده شده است و باید در واقع به جای آن لفظ «و» می‌آمده است. به نظر اگر لفظ «یا» عمداً آمده باشد، باید حذف و به جای آن لفظ «و» آورده شود. در واقع، نباید این اندازه به قاضی اختیار داده شود که بتواند کسی را که متهم به صدور چک بلامحل است، به میل خود به یک چهارم وجه چک (حداقل مجازات مندرج در ماده پیشنهادی) یا دو سال زندان (حداکثر مجازات مندرج در ماده پیشنهادی) محکوم کند. قانونگذار باید براساس اصل قانونی بودن مجازات، خود مجازات را معین کند، نه آن که اختیار آن را به قاضی بسپارد. به هر حال اگر قرار است جرم چک بلامحل باقی بماند مجازات آن باید مشابه جرم کلاهبرداری باشد. در واقع، جرم صدور چک بلامحل نیز از دل جرم کلاهبرداری بیرون آمده است. لکن اثبات ارتکاب آن از ناحیه شاکی، برخلاف جرم کلاهبرداری آسان است، چرا که در حالی که در جرم کلاهبرداری شاکی باید سوء نیت (قصد مجرمانه) متهم را ثابت کند. در جرم صدور چک بلامحل، پرداخت نشدن چک قرینه سوء نیت صادر کننده است و دلیل دیگری برای اثبات سوء نیت او لازم نیست. تبصره ذیل ماده نیز بدون مشکل نیست. در واقع اگر چه مناسب است که دارنده‌ای که به مناسبت معاملات ربوی چک گرفته، نتواند صادر کننده را محکوم به حبس کند، لکن باید بین دارنده‌ای که از ربوی بودن معامله‌ای که چک به مناسبت آن داده شده و دارنده با حسن نیتی که از این ماجرا اطلاع ندارد، تفاوت قائل شویم.

این است که به نظر تبصره ذیل ماده پیشنهادی باید به شرح زیر نوشته شود:

«این مجازات شامل مواردی که ثابت شود شاکی چک بلامحل را بابت معاملات نامشروع

و با بهره‌ربری در یافت کرده است. نمی‌شود

از طرف دیگر، در مورد جزای نقدی، اگر عبارت ماده ۷ به نحوی تصویب شود که پیشنهاد شده است (اجرای نقدی معادل یک چهارم تا یک دوم تمام چک یا یک چهارم تا یک دوم کسر موجودی<sup>۱۰</sup>) در پارادایم موارد با ماده ۱۲ قانون صدور چک قابل جمع نخواهد بود. در واقع، قسمت آخر ماده ۱۲ مقرر می‌کند که «هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا این که محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود...». فرض کنیم قاضی متهم را با حکم قطعی فقط به پرداخت یک چهارم وجه چک محکوم کرده باشد. اگر شاکی گذشت کند، محکوم علیه باید مبلغ بیش‌تری، یعنی یک سوم وجه چک را بپردازد! البته اگر به جای لفظ «یا» بین عبارت «شش ماه تا دو سال» و عبارت «جزای نقدی» لفظ «و» آورده شود مشکل حل خواهد شد. این است که پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از این‌گونه مشکلات ماده ۷ قانون صدور چک تغییر پیدا نکند و به همان صورت سابق باقی بماند.

۱۰- در ماده ۱۰ لایحه مقرر شده که کلیه قوانین و مقررات معایر از تاریخ تصویب این قانون ملغی می‌گردد. بدیهی است ذکر یا عدم ذکر این ماده به لحاظ حقوقی تأثیری در ماهیت امر ندارد لذا بهتر است در این قبیل موارد قوانینی را که نسخ می‌شود صریحاً ذکر نمایند.

۱۱- گرچه تعقیب کیفری صادرکننده امری منطقی است ولی تکالیف موردی که چک از طریق ظهرنویسی صادر شده به لحاظ حقوقی نامعلوم است. این نکته که آیا طرح دعوی حقوقی علیه ظهرنویس مانع رسیدگی کیفری علیه صادرکننده می‌باشد یا خیر؟ یا آیا پس از تعقیب کیفری صادرکننده، دارنده چک با استفاده از مقررات تجاری می‌تواند در مقام استیفاء، طلب خود از ظهرنویسان برآید یا خیر؟ نامعلوم است. نکته مورد اتفاق این است که ظهرنویس چک قابل تعقیب کیفری نیست. لذا می‌توان پیشنهاد کرد که چنانچه دارنده چک به لحاظ پیگیری حقوقی ظهرنویسان به حقوق خود دست یافت قرار موقوفی تعقیب برای صادرکننده چک صادر شود.